
کارکرد مؤلفه‌های آزادی تکوینی در شکل‌گیری ابعاد انسانی فرد

هدی انصاری بلگوری^۱

چکیده

در بیانیه گام دوم از استقلال و آزادی نام برده شده است. آزادی دارای اقسامی است؛ که آزادی تکوینی یک قسم از آن به شمار می‌آید. آزادی تکوینی به منزله آزادی بدو خلقت، به عدم اجبار در انتخاب راه و عقیده اشاره دارد. واکاوی کارکرد آزادی تکوینی از منظر تاثیراتی که بر اندیشه انسان می‌گذارد و نتایج حاصل از آن، نکته درخور توجهی است که مغفول مانده است. پژوهش حاضر با استفاده از روش عقلی و نقلی، به توصیف و تحلیل مفاهیم کلیدی پرداخته و در برخی موارد با نگاه نقادانه در صدد اثبات آثار این آزادی بر شکل‌گیری ابعاد انسانی است.

از نتایج حاصله این خواهد بود؛ آزادی تکوینی با ایجاد حس ارزشمندی در انسان، او را به یافتن مسیر برتر در زندگی ترغیب می‌کند. در نهایت، فرد خود را مسئول انتخابهایش می‌یابد. این همان مسئولیت‌پذیری است که در متن بیانیه گام دوم نیز بدان پرداخته شده است.

کلیدواژگان: آزادی، تکوین، آزادی تکوینی، انتخاب، بیانیه گام دوم.

مقدمه

آزادی که از الطاف الهی و مربوط به حوزه انسانیت انسان است، در جامع‌ترین معنای خود؛ وضعیت رهایی، دربندنبودن، مقهور کسی نبودن است. آزادی، از دایره واژگانی متفاوتی برخوردار است. در فرهنگ‌های مختلف، تعاریف متفاوتی برای آن می‌توان یافت. تفاوت اساسی‌ای که در تعریف مکاتب الهی و مادی از آزادی وجود دارد، این است که؛ آزادی از دیدگاه توحیدی و یا حتی ادیان عرفانی غیرتوحیدی شرق، یک مفهوم وجودی است که در وجود انسان به ودیعه گذاشته شده است؛ اما گرد و غبار ناراستی‌ها، چهره آن را نازیبا ساخته که گاهی به محو آن هم می‌انجامد. در بسیاری از مکاتب غیردینی، آزادی پدیده‌ای بیرونی و ایجادکردنی است، نه پدیده‌ای ذاتی و همزاد با بشر. از این رو ماهیت و واقعیت آزادی مبتنی بر مفاهیم بشر ساخته، عموماً غیرواقعی و کاذب می‌باشد. (فارسی، ۱۳۸۲)

در نامه ۳۱ نهج البلاغه می‌خوانیم: لاتکن عبد غیرک فقد جعلک حراً؛ بنده دیگری مباش، زیرا خدایت تو را آزاد آفریده است. این بیان والا گویای این مطلب است که منشا آزادی انسان؛ تکوین است از اینروست که ذات انسان به سمت رهایی از قیود کشش دارد (رشادی، ۱۳۸۸: ۷۶) اساس دین اسلام نیز بر آزادی بنا شده است چراکه بدون آزادی، هدف از خلقت که معرفت است مهیا نمی‌شود. عمق معرفت زمانی حاصل می‌شود که انسان خود برای دست‌یابی به آن گام بردارد و تحت هیچ نیروی بیرونی نباشد.

در رابطه با موضوع آزادی آثار بسیاری به رشته تحریر درآمدند از جمله؛ مقالاتی با عنوان نقش آزادی در فلسفه اخلاق کانت از سید مسعود سیف، آزادی ریشه انسانیت مبنایی بر حقوق بشر از مصطفی الماسی و سایرین؛ کتبی با عناوین: فلسفه حقوق بشر از آیه الله جوادی آملی، عناصر فلسفه اخلاق از جیمز ریچلز. آثار مطرح شده و سایر این اثرها، علی‌رغم کمکی شایانی که به روند این مقاله داشتند؛ نتوانستند کارکرد آزادی تکوینی را در ساخت بعد انسانی فرد مورد دقت قرار دهند. لذا مقاله حاضر با تمرکز بر نقشی که این ابتدایی‌ترین آزادی در وجود هر فردی می‌تواند ایجاد کند می‌پردازد.

روش گردآوری داده‌ها، کتابخانه‌ایی بوده و از روش تحلیل محتوا و در مواردی از نقد نیز استفاده شده است. مقاله پیش رو، پس از مفهوم‌شناسی و ارائه پیشینه‌ایی از تحقیق، به بررسی جایگاه این آزادی و کارکرد آن می‌پردازد؛ در نهایت آثار هرکدام از این کارکردها در پرورش بعد روانی انسان بیان خواهد شد.

پیشینه

مسئله آزادی، مسئله همیشگی بشر بوده و موضوع ظلم ظالمان به شمار می‌آید، لذا ردپای آن را می‌توان از ابتدای خلقت تا کنون در طول تاریخ یافت. متأسفانه دریافت‌های جوامع در هر برهه از تاریخ به یک یا چند معنا از آزادی متوجه می‌شد غافل از آن‌که آزادی حقیقی یک معنا بیشتر ندارد؛ همچون بیریقی سایر معانی را تحت لوای خود قرار می‌دهد. طبیعتاً مفهومی اینچنینی دارای آثار مکتوب و غیر مکتوب فراوانی خواهد بود؛ آنچه در این جا اشاره خواهد شد تنها به چند اثر به‌عنوان نمونه کاری خواهد بود و مابقی را به خواننده هوشیار خواهیم سپرد.

کتابی تحت عنوان مباحثی در کلام جدید که در سال ۱۳۹۱ گردآوری شده، در فصل یازدهم آن مبحث گوهر دین با قلم مصطفی آزادیان به نگارش درآمده است. این فصل در ابتدا حقیقت ایمان و معانی آن را خصوصاً از نگاه اندیشمندان مسلمان در هفت زیر مجموعه بیان می‌دارد سپس از ویژگی‌های ایمان؛ اختیاری بودن، قلبی بودن، آزمون‌پذیر بودن و... صحبت می‌کند.

آنچه که مورد توجه این مقاله قرار گرفت بخش چهارم یعنی قسمت آخر آن است که از آثار ایمان در چها مورد نام می‌برد. مطالب بسیار روان و قابل فهم ارائه گردیده است اما نکته اینجاست که نگارنده معتقد است، یکی از آثار ایمان آزادگی و حریت است یعنی به عبارتی فرد باید ابتدا ایمان داشته باشد تا طعم آزادگی را بچشد درحالی‌که تمرکز مقاله حاضر بر این است که فرد به مدد آزادی که در ابتدای خلقت به او ارزانی شد با کمک روحیه کاشفی‌گری که دارد خود به راه برترکه آزادی تشریعی است، رهنمون می‌شود. در واقع دین به معنای واقعی

و عقیده به معنای پذیرش قلبی مرهون آزادی تکوینی است که در این جا صحبتی از آن نشده است.

کتابی دیگر با عنوان عناصر فلسفه اخلاق نوشته ریچلز است. این کتاب در سال ۱۳۴۶ با ویرایش چهارم به چاپ دوم رسید. همانگونه که از عنوان کتاب بر می آید مطالب ارزشمندی در جهت روشن شدن فضای فکری غرب در فلسفه اخلاق ارائه کرده است که قابل استفاده می باشد. در فصل دهم این کتاب آن جا که نظریه کانت بیان می گردد اشاره به این مطلب دارد که انسان ها، فاعل هایی آزاد هستند و آزادی انسان را همانند سایر ویژگی های آن پذیرفته و سر منشا ارزش ذاتی انسان می داند. این کتاب که با نگاه محققانه به نظریه کانت می نگرد توانسته است در این راستا روشنگری خوبی داشته باشد. علی رغم این تلاش ارزشمند نمی توانیم از رد پای آزادی تکوینی به جهت تاثیرش در ساخت بعد انسانی فرد، بیاییم و باز تکه ای از این جورچین خالی خواهد ماند.

مقاله آقا گدی با عنوان «بررسی اثربخشی آموزش نظریه انتخاب و کنترل گلاسر بر تحول الگوی هویت نوجوانان» در سال ۱۳۹۱ است که در آن جمعی از نوجوانان را به عنوان جامعه هدف انتخاب و نظریه انتخاب و کنترل گلاسر را بر روی آن ها آزمایش کرد. نتیجه این شد که این نظریه می تواند در هویت بخشی به نوجوانان که در سنین بحران هویت هستند تأثیر گذار باشد. در قسمت نتایج کارکرد آزادی تکوینی، بخش هویت بخشی به افراد از این مقاله استفاده شده و به آن استناد داده شد.

نکته اینجاست، پژوهشگر فارغ التحصیل رشته مشاوره است در همه قسمت های مقاله خود از مباحث روانشناسی استفاده کرده و ردپایی از رویکرد دین در این مسئله مشاهده نمی شود. این در حالی است که بحث جبر، اختیار و انتخاب قرن ها پیشتر در اسلام بیان شد؛ امروز دنیای غرب با رنگ و لعاب بیشتر نظریات اسلامی را با نام خود وارد فضای فکری جامعه کرده و بالطبع نتایج دلخواه خود را از آن خواهد گرفت..

مقاله «بررسی تطبیقی آزادی و مسئولیت از نگاه علامه مصباح و سارتر» به قلم

احمدیانی در سال ۱۳۹۶ با این هدف به نگارش درآمد تا این دو مهم را از دیدگاه دو نظریه پرداز اسلامی و غربی مورد تطبیق قرار دهد. ابتدا دیدگاه علامه مصباح و سپس سارتر مورد بررسی قرار می‌گیرد. علامه مصباح آزادی تکوینی را می‌پذیرد و معتقد است که اگر انسان آزاد نباشد امر و نهی بی‌معنا خواهد بود. در واقع ایشان از تشریح برای اثبات آزادی تکوینی استفاده کردند. سارتر انسان را محکوم به آزادی می‌داند و برخلاف علامه مصباح که دایره اختیارات انسان را محدود می‌داند او بی‌نهایت و وسیع می‌داند. شناخت این دو دیدگاه تا حدود زیادی فضای فکری و تفاوت‌های این دو مکتب را آشکار می‌کند. اما از آنجاکه هدف تطبیق و یافت نقاط اشتراک و افتراق آرا این دو اندیشمند است به صورت ویژه به کارکرد آزادی تکوینی نمی‌پردازد و حتی نامی از آن هم برده نمی‌شود.

۱. مفهوم‌شناسی

الف) بیانیه گام دوم

بیانیه گام دوم انقلاب یا بیانیه گام دوم نوشته سید علی خامنه‌ای، رهبر جمهوری اسلامی ایران، به مناسبت چهلمین سال پیروزی انقلاب اسلامی در ۲۲ بهمن ۱۳۹۷ صادر شد و با مخاطب قرار دادن جوانان، ضمن بیان پیشینه وقوع انقلاب و دشواری‌های آن، به دستاوردهای چهل ساله انقلاب اسلامی ایران پرداخت و چشم‌انداز آینده انقلاب را در بخش‌های مختلفی از جمله علم و پژوهش، معنویت و اخلاق، عدالت و مبارزه با فساد تبیین کرد.

مخاطب اصلی بیانیه گام دوم، جوانان به‌عنوان محور تحقق نظام پیشرفته اسلامی هستند و فرصت ارزشمندی برای کشور دانسته شده‌اند. (بیانیه - گام دوم - انقلاب / <https://fa.wikishia.net/view>)

<https://fa.wikishia.net/view>

ب) آزادی

مفهوم لغوی:

آزاد به معنای کسی است که در رقیت فرد دیگری نباشد، حر نیز معنا می‌دهد. (دهخدا، ۱۳۸۵: ۱، ۷۳) آزادی در لغت به معنای حریت، اختیار و خلاف بندگی و اسارت است. (همان، ۷۷)

واژه «آزادی» که برخی از صاحب نظران، آن را برگرفته از واژه اوستایی «آزاته» یا واژه پهلوی «آزاتیه» می‌دانند، در زبان فارسی، دارای معانی متعددی از جمله: عتق، حریت، اختیار، خلاف بندگی و رقیت و اسارت و اجبار، قدرت عمل و ترک عمل، قدرت انتخاب، رهایی، خلاص، آزادمردی، شادی، خرمی، خشنودی و رضا می‌باشد.

در زبان فارسی، دو واژه آزادی و رهایی، نقطه مقابل محدودیت، قید و بند، اسارت و مجبور بودن به کار رفته‌اند؛ یعنی هم ناظر به آزادی اراده‌اند (آزادی تکوینی)، هم ناظر به رهایی از اسارت هوای نفس و شهوت (آزادی معنوی) و هم ناظر به حق انتخاب و تصمیم‌گیری در امور مربوط به زندگی (آزادی رفتار فردی و اجتماعی).

از دقت در کاربردهای واژه آزادی و رهایی در زبان فارسی چنین برمی‌آید که در نقطه مقابل محدودیت و مجبوریت قرار دارد. (اسحاقی، ۱۳۸۴)

مفهوم اصطلاحی:

آزادی در معنای اولی - که با حمل اولی ذاتی مشخص می‌شود- به معنای رها شدن است. (<http://www.porseman.com/article/14983>) اما این که این رهایی، از چه چیزی خواهد بود به نوع نگرش آدمی به جهان پیرامونش برمی‌گردد. اگر دو مکتب کلی اسلام و غرب را مورد توجه قرار دهیم؛ در اندیشه غربی، آزادی: حسی است که از تمایلات و خواهش‌های انسان نشئت می‌گیرد درحالی که در نگاه اسلامی، آزادی حسی است که از شخصیت و ارزش ذاتی انسان می‌تراود. آزادی در نگاه غرب تنها یک مانع بیرونی دارد درحالی که آزادی مورد تعریف اسلام هم موانع بیرونی و هم موانع درونی دارد؛ اگر فرد بر موانع

درونی فائق آید دیگر موانع بیرونی کارساز نخواهند بود.

(<https://farsi.khamenei.ir/speech-content?id=21488>)

هرجا انسان در انجام کاری راه‌های متعددی در پیش روی خود بیابد؛ آن‌ها را بررسی می‌کند، می‌سنجد، سپس یکی را برمی‌گزیند و در پی آن، تصمیم بر انجام می‌گیرد؛ در این جا گفته می‌شود وی آزاد بوده و کار را از روی اختیار انجام داده است. در مقابل اگر کاری بدون سنجش، گزینش و تصمیم‌گیری صورت گیرد، کار بدون اختیار صورت گرفته است. این فرد مجبور بوده است. (رجبی: ۱۳۸۶، ۱۶۹)

ج) تکوین

آزادی تکوینی که از تلفیق دو واژه آزادی و تکوین به جود آمده، بخش اول آن آزادی است که معنای اصطلاحی آن گذشت، اما بخش دیگر آن تکوین است که به بررسی لغوی و اصطلاحی آن در این جا خواهیم پرداخت.

مفهوم لغوی:

تکوین واژه‌ای عربی و به معنای ایجاد کردن است. تاج العروس در معنای تکوین این‌گونه گفته است: «و کونه تکوینا: أحدثه»؛ همین‌طور گفته شده است که: «التکوین ایجاد شیء مسبوق بمادة». (حسینی زبیدی، ۱۴۱۴: ۱۸ / ۴۸۷) تکوین ایجاد کردن شیئی است که مسبوق به ماده است؛ از این عبارت فهم می‌شود که تکوین اختصاص به عالم طبیعت داشته و مربوط به خلق و ایجاد است که در عالم خارج صورت می‌گیرد. با این بیان خط مرز آن با تشریح مه مربوط به قانونگذاری و اعتباریات است، روشن می‌شود.

ویژگی‌ها و قوانین طبیعی را تکوین گویند؛ به وجود آمدن همه اجزای این عالم از عدم، تحولات و گردش‌های موجود در آن، در دایره تکوین و طبیعت قرار می‌گیرد. این که آتش می‌سوزاند، آب خنک می‌کند، همگی نمونه‌هایی از عالم تکوین هستند.

(<https://farsi.khamenei.ir/speech-content?id=24584>)

معنای اصطلاحی آزادی تکوینی

نظر به این که معنای لغوی هریک از واژگان آزادی و تکوین گذشت، هم اینک به معنای اصطلاحی آزادی تکوینی خوایم پرداخت تا از تکرار در امان بمانیم.

اراده آزاد انسان با دو نوع منع مواجه است؛ نخست منع عینی و تکوینی که به اجبار یا اکراه، انسان را از عمل بر طبق خواسته‌اش باز می‌دارد. قسم دیگر سلب آزادی برای انسان، منع و جبر قانونی و اعتباری است که نتیجه قوانین الزامی می‌باشد. (امامی، ۱۳۹۱: ۴)

آزادی تکوینی را می‌توان عدم اجبار در پذیرش و انتخاب راه و عقیده دانست. اصولاً دین متشکل از عقائد ویژه است که تحمیل آن بر افراد بی‌معنا جلوه می‌کندست (جوادی آملی، ۱۳۸۹: ۱۹۵) از این رو قرآن کریم می‌فرماید لا اکراه فی الدین (۲: ۲۵۶) اجبار در پذیرش دین وجود ندارد.

گذشته از این، آزادی تکوینی به این معناست که انسان در انجام هیچ کاری بی‌اختیار و ناچار نیست؛ همان‌گونه که رها و یله هم نیست. به بیان علمی جهان آفرینش نه در انحصار جبر است و نه در سلطه تفویض. آزادی از آن دست مفاهیم عمومی و زندگی‌ساز است که در نظام ارزشی اسلام جایگاه ویژه دارد. که اگر بخواهد رها شود به ولنگاری خواهد انجامید. آزادی حقیقی برای یک ملت و انسان این است که همه نیرو و توانش را به کار گیرد تا به بهروزی برسد؛ آن بهروزی در عبودیت خدا است. (امام خامنه‌ای، بیانات در دیدار مردم یزد، ۱۳۸۶/۱۰/۱۲، <https://farsi.khamenei.ir/speech-content?id=3415>)

اسلام آزادی انسان را مطلق و برخاسته از صرف اراده تکوینی خداوند و دور از اراده تشریحی او نمی‌داند. بنابر تعالیم اسلامی، آدمی به اقتضای اراده تکوینی خداوند و نظام تکوین آزاد است، ولی این هرگز به آن معنا نیست که انسان در مرحله تشریح نیز آزادی مطلق دارد و به هر سو، هر عقیده و عملی که میل کند خداوند نیز به این میل و انتخاب ارج نهد. به همین دلیل، در تفکر اسلامی آزادی تکوینی در کنار آزادی تشریحی قابل تفسیر است.

تعریف کوتاه آزادی در نظر اسلام این است: «انسان اختیار دارد که از آزادیها و حقوق

تکوینی و خدادادی‌اش همسو با اراده تشریحی الهی در جهت رسیدن به رستگاری و سعادت استفاده کند. وجود آزادی در همه موجودات زنده قابل رویت است؛ زیرا آزادی یکی از لوازم حیات، رشد و تکامل است؛ از نیازمندیهای ضروری و حیاتی موجودات زنده و به‌ویژه انسان به شمار می‌آید. با این تفاوت که آزادی گیاهان متناسب با ساختمان وجودی و نوع نیاز آن‌ها است، و آزادی حیوانات به گونه دیگری رقم خورده است. (ابراهیم زاده، ۱۳۸۷: ۶۳)

انسان به آزادیهای دیگری ماورای آزادیهای گیاه و حیوان نیاز دارد، به گونه‌ای که آزادی اولیه او را هدایت کرده و با کمک نیروی عقل، اهداف زندگی‌اش را رقم بزند. (همان، ص ۶۴) ریشه و خاستگاه آزادی در ادیان توحیدی و اسلام، نیز درونی و ذاتی است، ولی برخلاف تفکر اومانیستی و لیبرالیستی از صرف خواستها و تمایلات نفسانی انسان برنمی‌خیزد، بلکه از امری فراتر و عمیق‌تر از آن، که همان فطرت و روح خدادادی است، نشئت می‌گیرد.

در تفکر اسلام ناب، حقیقت و اصالت انسان با روح است نه جسم و همه صفات نیک انسانی از آن سرچشمه می‌گیرد و آزادی‌خواهی انسان نیز از فطرت و سرشت پاک روحی او برمی‌آید که خداوند در نهاد او قرار داده است؛ چنان‌که امیر مؤمنان علی می‌فرماید: لَا تَكُنْ عَبْدَ غَيْرِكَ قَدْ جَعَلَكَ اللَّهُ حُرًّا. بنده دیگری مباش، که خداوند تو را آزاد آفریده است (نامه ۳۱ نهج البلاغه).

آزادی تکوینی زیر بنای دین‌ورزی و تکلیف‌پذیری است؛ زیرا اگر انسان در کارهایی که می‌خواهد انجام دهد، به لحاظ تکوینی و ذاتی آزاد نباشد، حق انتخاب و گزینش نداشته باشد و هر چه از او سر می‌زند، جبری و قهری باشد، امر و نهی و تکلیف معنا نخواهد داشت. در نتیجه، پاداش و کیفر اخروی نیز فلسفه وجودی خویش را از دست خواهد داد.

۲. جایگاه آزادی تکوینی

آزاد بودن انسان از نظر فلسفی قابل پذیرش است؛ چراکه انسان در انجام دادن افعال

خویش، این اختیار را به وضوح در خود احساس می‌کند. دو راهی‌های انتخاب بین دو امر، خود حاکی از این امر بوده و موید آزاد بودن انسان است. در حقیقت ارسال رسل با این هدف صورت گرفته تا زمینه‌ای ایجاد کنند که انسان‌ها از روی آزادی و آگاهی حقیقت را بفهمند. (شیروانی، ۱۳۹۱: ۴۳۳)

ژان ژاک روسو به عنوان نخستین روشنگر غربی که مفهوم حقوق بشر را به طور مشخص به کار گرفت؛ معتقد است که گوهر طبیعی انسان، همواره به وسیله آزادی فردی تعریف می‌شود و همه انسان‌ها به طور طبیعی، در داشتن آن با هم برابرند. در نگاه وی نه تنها خصیصه بارز در همه انسان‌ها برخوردار از این آزادی است؛ بلکه این آزادی در وجود انسان از چنان قداستی برخوردار است که او را به سمت فضیلت‌ها سوق می‌دهد. (الماسی و دیگران، ۱۳۹۶: ۱۵۷)

درک این آزادی به سبب نوع اراده‌ای است که خداوند در وجود انسان به ودیعه نهاده است؛ تا دلیلی باشد بر این که هر فرد، خودش مسئول انتخابهای زندگی‌اش باشد. بنابراین، انسان از این لحاظ در برابر انجام فرامین و نواهی الهی از آزادی کامل برخوردار است؛ هم می‌تواند به آن‌ها عمل کند و هم از عمل به آن‌ها سرباز بزند. از این رو انسان از نظر تکوینی مختار آفریده شده است؛ اما از نظر آزادی تشریحی، امر چیز دیگری است که در این مجال به دنبال صحبت در مورد آن نیستیم. (کریم پور قراملکی، ۱۳۸۳: ۴۰)

در جهان بینی اسلامی، انسان، شدنی است. پویشی خودآگاه، که با انتخاب‌های خود، خویشتن را می‌سازد. در نهان وی خواست‌ها و کشش‌هایی آفریده شده است که او را به این حرکت و پویش خودساز می‌کشاند. او بر اساس آگاه‌هایی که ریشه در فطرتش دارد و در پرتو تجربه و عمل بارور می‌شود، به وسیله قدرت گزینشی آزاد که به او عطا شده است؛ جهت این پویش سازنده را آگاهانه و آزادانه برمی‌گزیند. در نهایت در جهتی که خود انتخاب و اختیار کرده است، طی مسیر کرده و ساخته می‌شود.

یکی از ویژگی‌های اساسی انسان را می‌توان همین خودسازی و محیط‌سازی آگاهانه او

به شمار آورد. ارزش آدمی نیز در این است که قادر است آزادانه به راه خیر و فضیلت درآید یا آزادانه در پلشتی و کثی فرو رود.

آن جا که قرآن کریم اشاره به این مطلب پرنغض دارد: ﴿إِنَّا خَلَقْنَا الْإِنْسَانَ مِنْ نُطْفَةٍ أَمْشَاجٍ نَبْتَلِيهِ فَجَعَلْنَاهُ سَمِيعًا بَصِيرًا، إِنَّا هَدَيْنَاهُ السَّبِيلَ إِمَّا شَاكِرًا وَإِمَّا كَفُورًا﴾ (۷۶: ۲، ۳) مویدی محکم بر این گفتار خواهد بود مبنی بر اینکه؛ هدایت، تنها نشان دادن راه بوده و رساندن به مطلوب را معنا نمی‌دهد. البته مقدم بر این بحث، سمیع و بصیر بودن انسان پیشی می‌گیرد تا نشانگر این باشد که ابزار نیز برای این انتخاب آزادانه مهیا شده است. (طباطبایی، ۱۳۷۴: ۱۹۴/۲۰)

بنابراین آزادی تکوینی همانگونه که از نامش نیز پیداست ریشه در تکوین و طبیعت انسان دارد و خلقت ابتدایی انسان نیز بر همین پایه بنا نهاده شده‌است. پس اصل در زندگی انسان این است که یک: آزاد باشد. دو؛ این آزادی او محدود نگردد. البته صحبت از محدود نشدن آزادی مسئله‌ای است که باید مورد توجه قرار گرفته و به بی‌قیدی کشانیده نشود. به گونه‌ای که تعرض به حریم انسانی فرد و دیگران را ثمر دهد. (بهشتی، ۱۳۸۱: ۲۰/۱)

۳. مؤلفه‌های آزادی تکوینی

نظر به جایگاهی که از آزادی تکوینی بیان شد این نتیجه به بار خواهد نشست که چنین امری قطعا در سرنوشت انسان نقش آفرین خواهد بود. کانت وقتی در مورد اخلاق دچار شک می‌شود و آن را یک توهم می‌پندارد، در پاسخ خود معتقد می‌شود؛ اگر انسان‌ها دارای اراده آزاد باشند، آن زمان است که اخلاق به معنای واقعی کلمه رخ خواهد داد و قوانین اخلاقی برای همه معتبر خواهد بود. (سیف، ۱۳۸۹: ۸۰) آزادی که در طبیعت بشر قرار دارد با نقشی که در ابعاد انسانی فرد ایفا می‌کند و تاثیری که بر اخلاق می‌گذارد، نیازمند موشکافی‌های دقیق‌تر می‌باشد.

الف) درک مختار بودن انسان

موضوع جبر و اختیار یکی از قدیمی‌ترین مباحث تفکرآتی است که ذهن بشر را، فارغ از هرگونه رویکرد اعتقادی در طول تاریخ به خود مشغول کرده است. به جرات می‌توان گفت هیچ اندیشه‌ایی به این اندازه نتوانسته دست‌مایه خودکامگان تاریخ قرار بگیرد و تا این اندازه مورد سو استفاده و تعبیر باشد.

اختیار، به این معنی است که شخص، یکی از دو طرف (وجود یا عدم) را که برای فعل ثابت است ترجیح دهد. به این حالت که اراده جازمه‌ای پیدا می‌شود که متعلق به یکی از دو طرف باشد: اگر اراده جازمه به عدم باشد، طرف عدم را ترجیح می‌دهد، و الا طرف وجود را انتخاب خواهد کرد. ترجیح، شرطی دارد و آن این است که فرد علم به مصلحت وجود یا مفسده عدم یا بالعکس پیدا کند. (حسن‌زاده آملی، ۱۳۷۹: ۱/ ۱۲) فرد مختار دارای اراده و علم بوده و فعل اختیاری زمانی از او صادر می‌شود که این دو صفت در انسان موجود باشد. فاعلی که دارای دو نوع گرایش متضاد باشد و یکی را بر دیگری ترجیح دهد، در واقع انتخاب و گزینشی در او شکل گرفته است که ملاک تکلیف، پاداش و کیفر بشمار می‌رود. اراده به معنای تصمیم گرفتن، یکی از افعال نفس به شمار می‌آید؛ زیرا مسبوق به تصور، تصدیق و شوق است. هر سه این موارد از کیفیات نفسانی به شمار آمده و مختص به انسان است. البته نباید از نظر دور داشت که صفت اراده، به عنوان یکی از اوصاف خداوند هم به کار برده می‌شود و ویژگی خاص خود را دارد که مدنظر ما در این جا نیست.

کارهای اختیاری انسان معمولاً این‌گونه صورت می‌گیرد که؛ نخست، تصویری از کار و نتیجه آن در ذهن فرد پدید می‌آید. سپس مقدم بودن کار برای حصول نتیجه و ترتب این کار بر آن نتیجه، مورد تصدیق فرد قرار می‌گیرد. آن‌گاه شوق رسیدن به آن کمالی که متوجه کار است، در نفس حاصل می‌شود. در پرتو شوق به کمال، میل به خود کار صورت می‌گیرد. در صورت فراهم بودن شرایط و عدم موانع، شخص تصمیم به انجام کار می‌گیرد. (مصباح

دقت در تمامی مراحل مطروحه، مختار بودن انسان را معنا می‌دهد که اقرار به آن، با اندک توجهی برای هر نفس سلیمی حاصل خواهد شد.

در فرهنگ دینی، حتی تفکرات ناب فلسفی، انسان آزاد و مختار آفریده شده است. این دو صفت که دائماً در کنار هم و هم ردیف با یکدیگر بیان می‌شوند؛ درهم تنیدگی‌شان به هم را می‌رساند. اگر نیک بنگریم تمام آیات الهی که اشاره به وعد و وعید، آزمایش الهی، بشارت و انذار و مواردی از این دست دارد، همه در سایه مختار بودن انسان معنا می‌یابد. شاهد بر این مطلب، آیه ۱۰۴ سوره مبارکه انعام است. می‌فرماید: ﴿قَدْ جَاءَكُمْ بَصَائِرُ مِنْ رَبِّكُمْ فَمَنْ أَبْصَرَ فَلِنَفْسِهِ وَمَنْ عَمِيَ فَعَلَيْهَا وَمَا أَنَا عَلَيْكُمْ بِخَفِيظٍ﴾ خطابی از سوی پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله به مشرکان است؛ مبنی بر این که شما در انتخاب راه خود مختار و آزادید. اگر می‌خواهید از این حجت الهی کسب بصیرت کنید، یا چشم خود را برآن ببندید، فقط بدانید نتیجه این گزینش به خود شما بر می‌گردد. (طباطبائی، ۱۳۷۶: ۷ / ۴۱۶)

بنا بر این خداوند در ابتدای خلقت به انسان آزادی می‌دهد و سپس راه را می‌نمایاند؛ ابزار طی مسیر را در دسترس قرار می‌دهد تا وی با تصمیم خود آن را برگزیند و متعهد به انتخاب خود و نتیجه آن نیز باشد.

ب) درک عدم مقهوریت

دین به معنای مجموعه‌ای از قوانین و مقرراتی که جهت اصلاح جامعه بشری و پرورش استعداد انسانی شکل گرفته است. قوانین و مقررات آن با سرشت انسانی در هم تنیده است، سعی در شکل‌گیری و فریه شدن بعد انسانی جامعه دارد و از تقویت ابعاد حیوانی جامعه به دور و اساساً در تضاد است.

انسان موجودی استخدام‌کننده است و این صفت در طبیعت وی نهفته است به گونه‌ای که این ویژگی موجب اختلاف در تمام شئون حیات می‌شود. از سویی دیگر به شدت از این که تحت اراده فردی از جنس خود قرار گیرد، گریزان است. نظام تکوین اقتضا می‌کند که این اختلاف‌ها رفع شود تا انسان به کمال لایق خود برسد. قانون تنها رفع‌کننده این

اختلافات است، قانونی که زندگانی اجتماعی انسان را اصلاح و سعادت وی را تأمین نماید و از سویی نیز محدودکننده آزادی وی می‌باشد. از آنجا که طبیعت انسان عامل اختلاف است، نمی‌توان اندیشه بشری را رافع این اختلافات دانست. بنابراین ضرورت دارد تا پروردگار از راهی غیر طبیعی به انسان راه را نشان دهد و این راه همان راه وحی است (طباطبائی، ۱۳۶۰: ۱، ۵۷)

نظر به اهدافی که دین دنبال می‌کند از جمله: تعادل جامعه انسانی و حرکت به سوی انسانیت؛ و جایگاهی که در شکل‌گیری و تکامل هویت انسانی دارد، به نظر می‌رسد دین یک امر اجباری از سوی پروردگار باشد زیرا خداوند به‌عنوان خالق، آگاهی کامل به مخلوقات و راههای رسیدن آن‌ها به کمال را دارد. اما علی‌رغم تمام موارد پیش گفته شده می‌بینیم که خداوند در قرآن کریم شعار؛ لا اکراه فی الدین سر داده و هرگونه اکراه و اجبار در پذیرش این امر مهم و حیاتی را مطرود اعلام می‌دارد. البته نگاهها و تفاسیر در مورد این آیه متفاوت است که سبب عدم دستیابی علمای کلام به اندیشه‌ایی یکسان در مورد آن شده است. (حسینی فالحی، ۱۳۹۳: ۱۷۸)

عدم اجبار در اصل پذیرش دین آنهم در بدو خلقت ملاک صحیح بودن هر عقیده‌ای نیست، بلکه گواهی بر وجود آزادی تکوینی در انسان است. شناخت جایگاه خالق به دلیل تصرفی که بر مخلوق خود دارد و در عین حال آزادی که برای مخلوق قائل است، می‌رساند که انسان تحت سلطه قهرآمیز کسی نیست. این عدم مقهوریت به خواست الهی صورت می‌گیرد تا انسان به‌عنوان موجودی ذی شعور در یابد که افعالش را که اساسی‌ترین آن اصل پذیرش دین است، بر اساس میل و خواست خود انجام بدهد بدون این‌که تحت فشار نیرویی از بیرون باشد.

واقعیت اختیار این است که عامل دیگری غیر از اراده در انجام فعل انسان تاثیرگذار نباشد؛ حتی با وجود اکراه، باز اختیار فلسفی وجود دارد. (انواری، ۱۳۹۳: ۱۵۶) درک عمق این موضوع، منجر به درک عدم مقهوریت انسان در برابر نیروی برتر خواهد شد؛ نه این‌که

همانند پل سارتر به انکار خداوند بیانجامد. وی آزادی انسان را یک امر بدیهی و غیر قابل انکار می‌داند؛ اما در دو راهی شبهه علم پیشین الهی و اعتقاد به آزادی انسان، به جای جمع و تحلیل واقع بینانه مسئله، جانب آزادی انسان را گرفته و منکر نیروی لایزال می‌شود. (همان، ۱۶۴)

خواجه نصیرالدین طوسی در کتاب گرانسنگ "تجریداً الاعتقاد" انجام فعل توسط آزادی اراده را امری بدیهی دانسته (و الضرورة قاضية باستناد افعالنا إلینا) (حلی، ۱۴۳۲: ۴۲۳) و معتقد است که این اراده را خداوند در انسان آفریده است. (بداستی، ۱۳۷۴: ۵) بنابراین انسان در گرو اعمال خود بوده و هیچ نیرویی از بیرون او را مجبور به انجام کاری نخواهد کرد، به گونه‌ای که او پاسخگویی آن باشد.

درک عدم مقهوریت برای انسان، استقلال را به ارمغان خواهد آورد، این گونه است که بشر از زیر بار سلطه قدرتهای سلطه‌گر نجات خواهد یافت. بنابراین استقلال و آزادی هردو عطیه الهی بوده و هیچکدام تفضل حکومتها به انسان نیست اگرچه حکومتها موظف به تأمین هردوی آنها هستند. (بیانیه گام دوم انقلاب ۱۳۹۷/۱۱/۲۲، <https://farsi.khamenei.ir/message-content?id=41673>)

ج) درک اشرف مخلوقات بودن

تفکر برتری انسان بر سایر مخلوقات، از گذشته تاکنون در اندیشه بشر جاری بوده است. برخی همچون کانت، در این عقیده به افراط رفته و برای انسان ارزش ذاتی قائل‌اند؛ به گونه‌ای که او را موجودی اسطوره‌ای می‌دانند. موجودی که خود، غایت است و حیوانات دیگر صرفاً وسیله‌ای برای رسیدن به این غایت هستند. (ریچلز، ۱۳۹۶، ص ۲۱۷)

در مکتب اومانیسم که می‌توان آن را مادر مکاتب غربی به شمار آورد، اصالت بخشی به انسان راس این مکتب به شمار آمده، تا جایی پیش رفت که به تعارض علنی با خدا باوری رسید. این مکتب مولفه‌های دیگری نیز دارد؛ که مورد هدفمان در این مطلب نیست.

فارغ از نگاه افراط‌گرایانه، نگاه اعتدالی به دلیل تعادلی که برقرار می‌کند و همه جوانب را

در نظر می‌گیرد، از مزیت خاصی برخوردار است. اسلام با این بیان که "...بَدَأَ خَلْقَ الْإِنْسَانِ مِنْ طِينٍ* ثُمَّ جَعَلَ نَسْلَهُ مِنْ سُلَالَةٍ مِّنْ مَّاءٍ مَّهِينٍ" (۳۲: ۷، ۸) خاطر نشان می‌سازد که خلقت ابتدایی انسان از خاک و از آبی پست، صورت گرفته است. تا با یادآوری خلقت ابتدایی انسان‌ها، مانعی در راه تکبرورزی آن‌ها ایجاد کند. در ادامه تصریح می‌کند که از روح خویش در او دمیدم؛ ﴿...نَفَخَ فِيهِ مِنْ رُّوحِهِ...﴾ (۳۲: ۹) با این تتمه جایگاه ارزشی انسانی را نشان می‌دهد که از خاک و آب ناچیز خلق شده بودند. این تعادلی است که خالق با هوشمندی هرچه تمام‌تر به خرج می‌دهد تا انسان‌ها درگیر افراط و تفریط نگردند.

شرفی که انسان با این دمیده شدن روح الهی، صاحب آن شد نتایجی را در بردارد که یکی از آن‌ها احساس آزادی در درون انسان‌هاست. در واقع خداوند پس از امتحانات گسترده (احزاب، آیه ۷۲)، تنها انسان را لایق دمیدن روح آزادی در کالبد خاکی یافت و این‌گونه آزادی را در عالم تکوین، به دنبال سایر طبیعیات به او ارزانی داشت.

البته باید خاطر نشان کرد که این آزادی مقدمه‌ای بر اندیشه انسان لحاظ شده و در صورت بهره‌وری مناسب از آن سعادت فرد را رقم خواهد زد؛ این آزادی با فطرت بشر سرشته شده و در همه اعصار جاری است. (بیانیه گام دوم، شعار جهانی)

۴. کارکرد مولفه‌های آزادی تکوینی

با برشماری کارکرد آزادی تکوینی، به این مطلب فهم می‌شود که هرکدام از آن‌ها و یا مجموعاً در طول هم، دارای آثاری در ساخت ابعاد روانی انسان، دارند که نمی‌توان نادیده گرفته شوند.

ارزش اخلاقی در سایه انتخاب آزادانه و آگاهانه حاصل می‌شود و به موجوداتی تعلق دارد که دارای انگیزه‌های متزاحم بوده، به گونه‌ای که انگیزه‌ای را بر دیگری، بر این که مؤثر در رسیدن به مطلوب است، ترجیح دهد. از این رو کارهای انسان زمانی دارای ارزش اخلاقی خواهد بود که انسان آگاهانه امیال متزاحم خود را بررسی کرده، سپس توسط راهنمایی‌های عقل، راه برتر را انتخاب کند. البته مکاتب اخلاقی مختلف، درباره معیار قضاوت و بررسی

بین امیال متزاحم، اختلافات زیادی دارند که این خود نشان از عدم اعتماد به مکاتب دست ساخته بشر را خواهد رساند. (مصباح یزدی: ۱۳۹۲، ص ۳۲۸)

قرارگیری‌های دائم بر سر دو راهی انتخاب، که در روانشناسی نوین آزادی فردی، از آن به‌عنوان تئوری انتخاب (ویلیام گلسر) نام می‌برد، دارای آثار فراوانی از جمله: حس ارزشمندی و رضایت، عزت نفس، هویت بخشی به افراد، مسئولیت‌پذیری و تعهد فردی، ایجاد روحیه پرسشگری و کندوکاومی باشد.

الف) حس ارزشمندی و رضایت

احساس ارزشمندی که به‌عنوان یکی از بنیادی‌ترین بخش وجود ما است، به برداشت محترمانه هر فرد از خودش اشاره دارد؛ در تفکر عامی به اشتباه منوط به عواملی چون: حرفه، مدرک تحصیلی، میزان سرمایه فرد، حتی چهره و ظواهر فرد است. درحالی‌که این احساس وابسته به عامل بیرونی نبوده و از وجود فرد جوشش و به بیرون تراوش دارد. انسانی که در خود احساس ارزشمندی می‌کند، آن‌قدر خود را توانا می‌یابد که برای حل مشکلاتش به خود تکیه کند. (فهیمی: ۱۳۹۶) شخصیت‌های دارای تفکر آزاد، شخصیت‌هایی هستند که در سلامت روان به سر می‌برند و برای ارضای یک نیاز طبیعی و سالم، غالباً رفتار درست را انتخاب می‌کنند (رضایی: ۱۳۹۸، ص ۲۳۸) فردی که دارای این احساس است در کنار امید به خداوند عاملیت را در خود می‌بیند، می‌داند که قدرت تصمیم و تغییر دارد.

قدرت بر انتخاب، همواره با روح آزادی طلب انسان سازگار بوده، حس ارزشمندی و رضایت را برایش به همراه دارد. این دو احساس توأمان عاملی برای سلامت روان به شمار می‌آیند. سلامت روان نیز نیک زیستی را نتیجه خواهد داد.

ب) عزت نفس

یکی از نتایج حس ارزشمندی، عزت نفس در انسان است. با نگاه دقیق‌تر می‌توان رابطه تقابلی بین این دو نیز قائل شد. در تعریف عزت نفس می‌خوانیم: عزت نفس به معنای

پذیرش و ارزشمندی است که شخص در مورد خویشتن احساس می‌کند. شخصی که عزت نفس دارد خود را به گونه مثبتی ارزیابی نموده و برخورد مناسبی با خود و دیگران دارد. (بخشایش، ۱۳۹۰: ۵)

در اندیشه اسلامی، عزت نفس از جایگاه اساسی و بنیادین برخوردار است. با عزت نفس است که انسان می‌تواند خود را در شرایط سخت حفظ کند و حرمت بعد انسانی خویش را نگه دارد. انسان با عزت نفس، راههای سعادت را بهتر و بیشتر از هر خصیصه دیگری طی خواهد کرد. در اهمیت عزت نفس همین مقدار بس که در روان‌شناسی جدید نهضتی تحت عنوان " نهضت عزت نفس" پدید آمده است و پژوهش در این مسئله، بیشترین تلاشهای دانشمندان روان‌شناسی را به خود معطوف ساخته است. (رواستان، ۱۳۸۱: ۳۸۲)

درک این مطلب که انسان در اثر آزادی که در نهادش گذاشته شده است؛ مختار است و نه تنها تحت نیروی قهرآمیزی نیست؛ بلکه در جایگاه خلیفه الهی (۲: ۳۰) قرار دارد، به گونه‌ای که مظهر خلاقیت و فعالیت الهی است، عاملی مستحکم در ایجاد و تقویت عزت نفس خواهد بود. عزت نفس فردی در نهایت عزت نفس ملی و مقاومت در برابر سلطه را نتیجه خواهد داد؛ این مهم، رمز پیروزی یک ملت خواهد بود. (بیانیه گم دوم، بندشش) تاریخ گواه این مسئله است که هر ملتی که از عزت نفس و ما می‌توانیم بالاتری برخوردار بود، به اقتدار بیشتری دست یافت.

ج) هویت بخشی به فرد

در مقاله‌ای تحت عنوان "بررسی اثربخشی آموزش نظریه انتخاب و کنترل گلاسر بر تحول الگوی هویت نوجوانان" می‌خوانیم:

برای مقابله با بحران هویت نوجوانان روش‌های مختلفی پیشنهاد شده است، مفاهیم انتخاب و کنترل از جمله مفاهیم مؤثر بر تحول هویت و ایجاد یک هویت موفق در افراد هستند. نوجوانان در شکل دادن به هویت خود از قابلیت‌های زیادی بهره‌مند هستند و

می‌توانند تجارب مثبت و هویت موفق را از طریق رفتار مسئولانه و انتخاب و کنترل بر رفتار خود در زندگی و مواجهه با مشکلات به دست آورند. (آقاگدی، ۱۳۹۱: ۳۸)

به نظر می‌رسد این قابلیت تنها در نوجوانان نبوده و قابل تعمیم به همه سنین باشد. خصوصاً اگر انسان از کودکی با مفاهیمی از قبیل آزادی و حریت، انتخاب و عزت نفس آشنا شود، امید است که در تمام مراحل عمرش در پی حفظ آن‌ها باشد. بهره‌مندی از شخصیت مستقل، انتخاب و کنترل بر رفتار خویش جوهره شکوفایی هویت در افراد است، زیرا شخصیت‌های وابسته، هرگز قادر به انتخاب نیستند. این افراد به دلیل واگمه‌پرد شدن از سوی دیگران، به گزینه‌های دیگر جهت انتخاب نمی‌اندیشند؛ دائماً مجری اوامر نیروی بالتر از خود هستند، در نتیجه هویت آن‌ها در تبعیت از دیگران شکل می‌گیرد. بنابراین هر قدر قدرت تصمیم فرد در انتخاب‌هایش بیشتر باشد، در کسب هویت موفق‌تر عمل خواهد کرد. (همان، ۵۰).

نتیجه آن‌که انتخاب حاصل از آزادی در هویت بخشی به افراد اینچنین نقش آفرینی می‌کند، شناخت و پذیرش آگاهانه این آزادی و ملزومات آن بسیار ضروری می‌نماید. باید خاطر نشان شد که آزادی قابلیت حرکت دوسویه انسان به سمت سقوط یا صعود را دارد؛ (بیانیه گام دوم) باید مراقب بود تا انسان را به ورطه تکبر نکشاند.

د) مسئولیت‌پذیری و تعهد

انسان با ویژگی آزادی خلق شده و این اصل در فطرت او نهفته است «لاتکن عبد غیرک و قد جعلک الله حراً» (نامه ۳۱ نهج البلاغه). در این فراز عظیم و سایر بخش‌های کتاب شریف نهج البلاغه، عمق آزادی انسان بیان شده و حضرت انسان‌ها را متوجه آن می‌نماید.

تامل در این مسئله در هم تنیدگی آن را با بحث مسئولیت‌پذیری بیش از پیش آشکار می‌کند؛ اساساً از تبعات آزادی این است که انسان آزاد و مختار، به جهت آزادی که در تصمیم‌گیری دارد، مسئولیت نتایج حاصل از این اختیار نیز با او بوده و دیگری عهده‌دار آن نخواهد بود.

در واقع رابطه مسئولیت‌پذیری و آزادی انسان یک رابطه بینابینی و در طول هم خواهد بود. این دو لازم و ملزوم هم بوده و یکی بدون دیگری قابل تصور نیست. انسانی مسئول انتخاب‌های خود است که در انتخاب مسیر آزاد بوده و تحت هیچ جبری قرار نگرفته باشد. در مقابل انسانی هم که آزاد است به جهت این‌که دایره اختیارات وی تحت اراده اوست، مسئول انتخابهای خود چه در بعد مثبت و چه در بعد منفی خواهد بود.

به واقع نظام کیفرو عقاب، پاداش و تشویق، که در پی اعمال انسانی رخ می‌دهد مبتنی بر اصل آزادی و اختیار است. نپذیرفتن آزادی برابر با طرد مسئولیت‌پذیری است. سارتر معتقد است: همین‌که انسان پا به این جهان می‌گذارد مسئول کارهایی که انجام می‌دهد است. وی انسان را محکوم به آزادی می‌داند، مسئولیت نسبت به کارها را نیز از تبعات این آزادی به شمار می‌آورد.

علامه مصباح، یکی از شروط اساسی مسئولیت را، داشتن اراده آزاد می‌داند. آنچه ارزش کار آدمی را نشان می‌دهد این است که فرد از میان انتخابهای متنوع در پیش‌رو، یکی را برگزیند و بر همان اساس، به تناسب گزینشی که داشته، مورد سؤال و جواب قرار گیرد. در این شرایط است که فرد می‌پذیرد که پای انتخاب خود بایستد و نسبت به عواقب آن تعهد داشته باشد. (احمدیانی مقدم، ۱۳۹۶: ۳۵) آنچه روشن است این است که روح تعهد نسبت به عملکرد فردی، متوقف بر نوع نگرش دینی نبوده و از اندیشه آدمی نشئت می‌گیرد.

ه) ایجاد روحیه کندوکاو و پرسشگری

یکی دیگر از آثار آزادی تکوینی، شکل‌گیری روحیه محققانه در انسان است. پرسشگری نقطه آغاز تفکر در انسان است. انسان هر چقدر که در سنین ابتدایی زندگی خود به سر می‌برد این روحیه در او پررنگ‌تر از سنین بالا است. (اکرمی، ۱۳۹۴: ۷۳) انسان با این روحیه به دنیا می‌آید و این خود نشان از وجود عاملی برای آن در درون آدمی خواهد بود. آزادی یکی از این عوامل است که متأسفانه با بالا رفتن سن انسان‌ها و عوامل محیطی این عامل تنگ و تنگ‌تر شده تا جایی که انسان‌ها در طول تاریخ دائماً به دنبال گم شده خودشان یعنی آزادی

بوده و هستند.

باورپذیرش مسئولیت در قبال عملکرد و برخورداری از تبعات انتخاب و تصمیم‌های فردی، انسان را وادار خواهد کرد تا بیندیشد، جسنجو کند، پرس و جو کند و در نهایت بهترین تصمیم را اتخاذ کند. دقت نظر در تمامی انتخاب‌ها سبب خواهد شد تا مشی انسان، پرسشگری شده و با دیدی باز مسائل پیش رو را رصد کند.

قرآن کریم که نقش تشویقی و توصیه‌ای خود را در این رابطه حفظ کرده است از انسان‌ها می‌خواهد کورکورانه از کسی تقلید نکنند و همیشه مسائل را راستی آزمایی کرده (إِنَّهُ فَكَّرَ وَ قَدَّرَ ۷۴: ۱۸) و در پی تقلید از کسی یا گروهی نباشند؛ مگر فرد یا گروهی که صداقت و هدایت آن‌ها از گذر تحقیق، برانسان آشکار باشد.

نتیجه

آزادی تکوینی به‌عنوان اولین آزادی که در بدو خلقت در کنار سایر طبیعیات به انسان ارزانی شد با این هدف روی کار آمد تا زمینه را برای پذیرش فضائل در انسان فراهم نماید. بنابراین با ایجاد درک مختار بودن در انسان، درک عدم مقهوریت تحت نیروی برتر، اشرف مخلوقات بودن در نهاد آدمی زمینه را برای ایجاد ابعاد انسانی در فرد مهیا می‌کند. حس ارزشمندی و رضایت از زندگی، اولین مقوله از آثار کارکرد آزادی تکوینی است؛ که شخصیت‌هایی با تفکر آزاد، آن را در وجود خود درک می‌کنند؛ زیرا روح تشنه آزادی طلبی در آن‌ها سیراب است.

حس ارزشمندی و رضایت از زندگی مجموعاً در ایجاد عزت نفس نقش دارد. فرد دارای عزت نفس به جهت بزرگی که در خود احساس می‌کند تن به ذلت نخواهد داد. دراهمیت عزت نفس به این مقدار بسنده کنیم که ثمربخش‌ترین عامل در مقابله با سلطه‌گران خواهد بود.

از دیگر کارکردهای آزادی تکوینی، هویت بخشی به افراد است. زمانی که فرد با مفاهیمی چون انتخاب برخواسته از این آزادی مواجه می‌شود، حس استقلال در وی شکوفاشده و

جوهره هویت فردی در او شکل می‌گیرد. حاصل این امر مسئولیت‌پذیری در برابر انتخابهای فردی خواهد بود. جامعه‌ای که از افراد مسئول و پاسخگو تشکیل شود، قطعاً مدینه ایی فاضله را شکل خواهند داد.

می‌توان برآیند کارکردهای آزادی تکوینی را در شکل‌گیری روحیه پرسشگری و پژوهش در انسان مشاهده کرد. فردی که معتقد است پاسخگوی انتخابهایش است، منفعلانه عمل نمی‌کند با تفحص درمسائل، سعی در انتخاب بهترین گزینه پیش رو را خواهد داشت. وجود این روحيات محققانه نه تنها سبب رشد فرد، بلکه جامعه در ابعاد مختلف اخلاقی، فرهنگی، اقتصادی و... خواهد شد.

شناخت صحیح این آزادی به همراه مولفه‌ها و کارکردش این نتیجه را در بر خواهد داشت که آزادی تکوینی سکویی است برای دست‌یابی به مسیر برتر زندگی، ساخت جامعه‌ای متعادل با انسانهایی خودساخته؛ که البته برای رسیدن به اوج قله انسانیت باید ابتدا از آن عبور، با کمک آزادی تشریحی به مقصود نهایی که قرب الی الله است رسید.

فهرست منابع

۱. قرآن کریم؛ قرآن کریم، ترجمه ناصر مکارم شیرازی، انتشارات نسل جوان، قم ۱۳۷۸ ش.
۲. نهج البلاغه، سید رضی، ترجمه شهیدی، نشر مؤسسه علمی و فرهنگی، تهران ۱۳۹۸ ش.
۳. ابراهیم زاده، عبدالله، ۱۳۸۷، کلام جدید، تهران، سپاه پاسداران انقلاب اسلامی.
۴. احمدیانی مقدم، سیدامین اله، ۱۳۹۶، بررسی تطبیقی آزادی و مسئولیت از دیدگاه آیت الله مصباح و ژان پل سارتر، نشریه معرفت، سال بیست و ششم، شماره دوازدهم.
۵. اسحاقی، سیدحسین، ۱۳۸۴، مساله‌شناسی فرهنگی آزادی در اسلام و غرب، قم، جلد ۱، چاپ اول، مرکز پژوهش‌های اسلامی صدا و سیما.
۶. اکرمی، لیلا، ۱۳۹۴، اثربخشی آموزش فلسفه به شیوه حلقه کندوکاو بر پرسش‌گری و نگرش به خلاقیت در دانش آموزان نابینا، امیر قمرانی و صدیقه آقار، فصل نامه علمی پژوهشی ابتکار و خلاقیت در علوم انسانی، دوره ۴، شماره ۴.
۷. الماسی، مصطفی، ۱۳۹۶، آزادی ریشه انسانیت مبنایی بر حقوق بشر (در نگاه ژان ژاک روسو)، محمد مهدی بادامی، جواد جهانگیری، ماهنامه پژوهش ملل، دوره دوم، شماره ۲۴.
۸. امامی، مسعود، ۱۳۹۱، اعتبار عقلی رأی اکثریت بر مبنای حق تعیین سرنوشت، فقه، شماره ۷۲، دوره ۱۹.
۹. انواری، جعفر، ۱۳۹۳، اختیار انسان از منظر قرآن و فیلسوفان، معرفت فلسفی، سال دوازدهم، شماره اول.
۱۰. آقاگدی، پریرسا، ۱۳۹۱، بررسی اثربخشی آموزش نظریه انتخاب و کنترل گلاسر بر تحول الگوی هویت نوجوانان، مطالعات روانشناختی، دانشکده علوم تربیتی و روانشناسی دانشگاه الزهرا سلام الله علیها، دوره ۸، شماره ۴.
۱۱. بخشایش، علیرضا، ۱۳۹۰، بررسی رابطه توکل بر خدا، عزت نفس و پیشرفت تحصیلی در دانش آموزان، نشریه روانشناسی و دین، جلد چهاردهم، سال چهارم، شماره دوم.
۱۲. بداشتی، علی، ۱۳۷۴، اراده مطلقه خدا و آزادی اراده انسان، کیهان اندیشه، پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی، شماره ۶۳.
۱۳. جوادی آملی، عبدالله، ۱۳۸۶، فلسفه حقوق بشر، قم، چاپ ششم، نشر اسرا.

۱۴. حسن‌زاده آملی، حسن، ۱۳۷۹، *خیر الاثر در رد جبر و قدر*، جلد اول، قم، چاپ چهارم، بوستان کتاب.
۱۵. حسینی بهشتی، سید محمد، ۱۳۸۱، *آزادی، هرج و مرج، زورمداری*، تهران، بنیاد نشر آثار و اندیشه‌های شهید آیت‌الله دکتر بهشتی، نشر بقعه.
۱۶. حسینی زبیدی، محمد مرتضی، ۱۴۱۴ق، *تاج العروس من جواهر القاموس*، علی هلالی و علی سیری، بیروت، جلد ۱۸، چاپ اول، دارالفکر.
۱۷. حسینی فالحی، سید محمد جواد، ۱۳۹۳، *تحلیل و بررسی مفهوم کلامی آزادی در آیه لا اکراه فی الدین*، اندیشه نوین دینی، سال دهم، شماره ۳۷.
۱۸. حلی، حسن ابن یوسف ابن مطهر، ۱۴۳۲هـ، *کشف المراد فی شرح تجرید الاعتقاد*، حسن حسن‌زاده آملی، قم، چاپ سیزدهم، نشر اسلامی جامعه مدرسین قم.
۱۹. دهخدا، علی اکبر، ۱۳۷۲، *لغت‌نامه دهخدا*، جعفر شهیدی و محمد معین، تهران، جلد اول، روزنه.
۲۰. رجبی، محمود، ۱۳۸۶، *انسان‌شناسی*، قم، چاپ یازدهم، انتشارات مؤسسه آموزشی و پژوهشی امام خمینی رحمه الله علیه.
۲۱. رشادی، علی اکبر، ۱۳۸۸، *آزادی*، نامه الهیات، شماره ۷.
۲۲. رضایی، سمیه، ۱۳۹۹، *تحلیل روان‌شناختی «نیاز به آزادی» در شخصیت‌های داستان‌های برگزیده ۱۰ کتاب‌های کودک و نوجوان؛ بر اساس نظریه انتخاب ویلیام گلاسر*، ناصر نیکویخت و دیگران، پژوهشنامه کتابداری و اطلاع‌رسانی، سال ۱۰، شماره ۱.
۲۳. رواستان، محمد علی، ۱۳۸۱، *عزت در ادبیات حسینی*، نشریه حوزه، شماره ۱۱۳، دفتر تبلیغات اسلامی حوزه علمیه قم.
۲۴. ریچلز، جیمز، ۱۳۹۶، *عناصر فلسفه اخلاق*، محمود فتحعلی و علیرضا آل بویه، قم، چاپ دوم، پژوهشگاه علوم و فرهنگ اسلامی.
۲۵. سیف، سید مسعود، ۱۳۸۹، *نقش آزادی در فلسفه اخلاق کانت*، متافیزیک، سال دوم، شماره ۷ و ۸.
۲۶. شیروانی، علی، ۱۳۹۱، *مباحثی در کلام جدید*، مصطفی آزادیان، قم، چاپ اول، پژوهشگاه حوزه و

دانشگاه.

۲۷. طباطبائی، سید محمد حسین، ۱۳۷۴، *تفسیر المیزان*، سید محمد باقر موسوی همدانی، قم، جلد ۷ و ۲۰، چاپ پنجم، دفتر انتشارات اسلامی جامعه مدرسین حوزه علمیه قم.

۲۸. فارسی، جلال الدین، ۱۳۸۲، *مفهوم و واقعیت آزادی*، زمانه، شماره ۱۰، پرتال جامع علوم انسانی ۱۴۰۰/۵/۲۵.

۲۹. فهیمی، شهلا، ۱۳۹۶، *احساس ارزشمندی عامل نیک زیستی*، مصاحبه با دکتر علی صاحبی، ماهنامه رشد معلم، انتشارات وزارت آموزش و پرورش، شماره ۳۱۲.

۳۰. کریم پور قراملکی، علی، ۱۳۸۳، *نگاهی به نظریه آزادی انتخاب دین*، نشریه رواق اندیشه، شماره ۴۰، مرکز پژوهش‌های اسلامی صدا و سیما.

۳۱. مصباح یزدی، محمدتقی، ۱۳۹۲، *نقد و بررسی مکاتب اخلاقی*، قم، چاپ سوم، مؤسسه آموزشی و پژوهشی امام خمینی رحمته‌الله علیه.

۳۲. _____، ۱۳۹۱، *آموزش فلسفه*، تهران، چاپ دوازدهم، سازمان تبلیغات اسلامی.

۳۳. پایگاه اطلاع‌رسانی دفتر حفظ و نشر آثار امام خامنه‌ای: khamenei.ir

